

بررسی تأثیر روش‌های تدریس بر شناسایی و بهبود اختلالات

یادگیری دانش آموزان در مراکز ناتوانی یادگیری

زیبا یحیی نژاد^۱، مصطفی شیخ زاده^{۲*} و محمد علی مجلل^۳

Received: 20/01/2020

Accepted: 25/04/2020

صفحات: ۳۸۸-۳۷۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

چکیده

روش پژوهش حاضر توصیفی و پیمایشی است. در پژوهش حاضر روش تدریس معلمان براساس Hiberman & Bowmhans (2005) و ارزیابی اختلال یادگیری دانش آموزان براساس شاخص‌های Manis et al (2000) تعریف گردیده است. جامعه آماری تحقیق حاضر معلمان مراکز اختلال یادگیری شهر ارومیه به تعداد ۲۰۰ نفر می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات دو پرسشنامه محقق ساخته می باشد که پس از سنجش روایی و پایایی و اطمینان از آن، در اختیار نمونه آماری قرار گرفت. برای تعیین روایی ابزار جمع آوری اطلاعات از روایی نمادی استفاده گردید. برای آزمون پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار این آماره‌ها برای سؤالات روش تدریس معلمان و شناسایی دانش آموزان دارای اختلال در یادگیری ۰/۹۲۲ و ۰/۹۴۶ هست. برای طبقه‌بندی، تلخیص و توصیف داده‌های آماری از روش آمار توصیفی و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف، هبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده گردیده است. نتایج حاصل بیانگر آن است که روش تدریس معلمان و ابعاد آن در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه مؤثر است.

کلید واژگان: روش تدریس معلمان، بهبود دانش آموزان، اختلال در یادگیری، مراکز ناتوانی یادگیری

۱- دانشجوی دکترای تخصصی، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

۲- دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

* نویسنده مسئول:

Email: m.sheikhzadehir@gmail.com

۳- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

مقدمه

اصطلاح "اختلال یادگیری" اولین بار توسط ساموئل کرک در سال ۱۹۶۳ مطرح شد و پس از آن محققان دیگری در این خصوص مطالعاتی داشتند و هر کدام جنبه‌ای از ناتوانی‌ها را مورد قرار داده‌اند و هنوز علل آن مشخص نشده است و تاکنون هم تحقیقات ادامه دارد (Mains, Dio & Bhadha, 2000). اختلالات یادگیری گستره‌ای بسیار وسیع‌تر از مشکلات تحصیلی را در بر می‌گیرد و فهم کامل آن نیازمند توجه به حوزه‌های اجتماعی، عاطفی و رفتاری زندگی کودک است. این اصطلاح از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش آموزانی برخاسته است که به طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و در عین حال در چهارچوب سنتی کودکان استثنایی نمی‌گنجد (Amirpour, 2013). اختلال‌های یادگیری به گروه ناهماهنگی از اختلالات گفته می‌شود که دارای مشخصه‌هایی نظیر دشواری در فراگیری و کارکرد گوش دادن، حرف زدن، خواندن، نوشتن و محاسبه هستند. این اختلال پایه عصب شناختی و روند تحولی دارد که پیش از دبستان شروع می‌شود و تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند (khudami, 2010).

شروع اختلال یادگیری در اوایل ورود به مدرسه معمولاً به شکل نمره‌های پایین و یادگیری ضعیف مشخص می‌شود. شناخت نوع اختلال یادگیری و ریشه‌یابی آنها به ویژه در دوره دبستان و در درس‌های اصلی می‌تواند در رفع این کم‌توانی کمک مؤثری داشته باشد (Figueroa, 2006).

کودکان دارای اختلال در یادگیری در یک یا چند مورد از توانایی‌های تحصیلی مانند خواندن، نوشتن و برخی دروس مشکلات جدی دارند و این مشکلات ناشی از بهره هوشی پایین، نارسایی‌های حسی، آموزش ناکافی و کمبودهای فرهنگی آنها نیست (Hullahan, 2008). با وجود مشکلات بسیاری که این افراد با آن مواجه‌اند، بیشتر آنان تا سال‌ها پس از ورود به مدرسه شناسایی نمی‌شوند و تحت آموزش ویژه قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه اختلال رفتاری و مشکلات تحصیلی آنان شدید شود (Ghobari Bonab, 2009). عوامل بسیاری بر شناسایی دانش آموزان دارای اختلال در یادگیری موثر است که در تحقیق حاضر به بررسی تاثیر روش تدریس معلمان بر شناسایی دانش آموزان دارای اختلال در یادگیری پرداخته شده است. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت روش تدریس معلم را نقطه اتکای هر نوع تغییر و تحولی در نظام آموزش و پرورش دانسته‌اند. روش تدریس، متعهد شدن انرژی ذهنی و روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی است در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو (Fazeli, 2012). روش تدریس معلمی، مجموعه‌ی شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌هایی است که معلم با کسب آنها می‌تواند در جریان تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیران کمک کند (Shah Mohammadi, 2013). در تحقیقی Richardson (2008) به بررسی میزان روش

تدریس معلمان و تعیین عوامل موثر بر آن پرداختند و با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی و تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که ویژگی های آموزشی و دانش مهارتی معلمان پایین می باشد. از دیدگاه دانش آموزان، یک معلم باید به مهارت های آموزشی حرفه ای به ویژه استفاده از تکنولوژی آموزشی و وسایل کمک آموزشی و اهداف آموزشی و کاربرد درست ارزیابی را آگاهی داشته باشد که تمامی موارد بیان شده در توسعه دانش و مهارت روش تدریس آنان موثر است. در مطالعه ای (McCurdy, Skinner, Watson & Shriver, 2008) با عنوان بررسی تأثیر بکارگیری برنامه نویشتاری جامع از سوی معلمان بر عملکرد نوشتاری دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری نشان دادند که دانش معلمان در اجرای این برنامه موجب افزایش عملکرد نوشتاری آنان شده است، هرچند که این افزایش در عملکرد نوشتاری پایدار نبوده است (Sak & Saka, 2009) تحقیقی با عنوان دیدگاه دانشجویان طرح معلمی در مورد تأثیر تمرین مدرسه ای بر توسعه دانش و مهارت های حرفه ای آنان، نشان داده است که برای توسعه مهارت های حرفه ای آگاهی از روش های تدریس در یک مدل آموزشی طراحی شده بسیار مهم و ضروری است و دانشجویان طرح معلمی باید بتوانند از ابزار و وسایل آموزشی و کمک آموزشی استفاده کنند. همچنین، یافته ها، آموزش های قبل از خدمت و ضمن خدمت را در توسعه مهارت های حرفه ای معلمان بسیار موثر نشان داده است. در تحقیقی (Samadi, 2013) با عنوان بررسی تأثیر دانش حرفه ای و خودکارآمدی معلمان بر شیوه های ارتباطی مثبت و منفی آنان با دانش آموزان و رشد یادگیری که هدف پژوهش آنان بررسی تأثیر دانش روش تدریس و خودکارآمدی بر سبک های ارتباطی مثبت و منفی معلمان و رشد یادگیری بود. نتایج نشان داد که روش تدریس معلم از جمله متغیرهایی است که تأثیر مهمی در فرایند آموزشی و یادگیری دارد در پژوهش (Fath Alipour Ahangar, 2013) با عنوان تأثیر دانش و مهارت های حرفه ای معلمان بر تقویت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان شهر بابل که نتایج آن نشان داد که طراحی و اجرای طرح درس روزانه، به کارگیری روش های تدریس فعال، استفاده از ابزار و وسایل دیداری و شنیداری، اجرای ارزشیابی توصیفی و برقراری ارتباط موثر معلم با فراگیران در فرآیند یاددهی - یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی در حد خیلی زیاد موثر است.

در تحقیقی (Pereon, 2016) با عنوان تأثیر معلمان در شناسایی و کاهش مشکلات یادگیری دانش آموزان راهبردهایی برای خانواده، پیش دبستان و مدرسه به این نتیجه رسید که تشخیص به هنگام مشکلات یادگیری دانش آموزان از سوی معلمان مدارس، با توجه به سن طلایی انجام مداخلات آموزشی و توان بخشی به موقع می تواند باعث صرفه جویی در وقت، هزینه های آموزشی

و درمانی و جلوگیری از بدنامی برجسپ خوردن و تبعات روانی و اقتصادی - اجتماعی آن برای خانواده‌ها و اجتماع شود. هدف اصلی تحقیق حاضر تعیین تاثیر روش تدریس معلمان در شناسایی و بهبود دانش آموزان اختلال بر یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می‌باشد که در راستای این هدف، اهداف زیر را نیز دنبال می‌کند: میزان روش تدریس معلمان (میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت‌های حرفه ای تدریس، میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های نوین تدریس، میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی، میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی، میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های ارزشیابی آموزشی) بر شناسایی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد. هدف کاربردی تحقیق حاضر ارائه پیشنهادات کاربردی در جهت بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه با توجه به بهبود روش تدریس معلمان می‌باشد.

در تحقیقی (Svensson et al (2019 با عنوان بررسی تاثیر فن آوری کمکی برای دانش آموزان دارای ناتوانی در خواندن که این مطالعه شامل ۱۴۹ شرکت کننده بود. گروه مداخله ۲۴ جلسه آموزش فن آوری دستیاری دریافت کردند و گروه کنترل طبق معمول تحت درمان قرار گرفتند. یافته ها: هر دو گروه مداخله و کنترل در یک سال نسبت به جمعیت عادی بهبود پیدا کردند. اما، دستاوردها پس از مداخله یا در ۱ سال پیگیری بین گروهها تفاوت معنی داری نداشت به نظر می رسد استفاده از تکنولوژی می تواند اثرات انتقالی بر توانایی خواندن داشته باشد و حمایت کننده باشد، به ویژه برای دانش آموزان با سخت ترین مشکلات (Hasani, 2020). بعلاوه این باعث افزایش انگیزه برای کارهای کلی در مدرسه می شود. کودکان دارای ناتوانی در خواندن با استفاده از AT عملکرد خواندن را به اندازه یک گروه هنجار افزایش می دهند، یعنی دانش آموزان با وجود عدم آموزش در ترمیم سنتی خواندن، توانایی خواندن خود را افزایش دادند. انگیزه کودکان و نوجوانان برای کار در مدرسه می تواند در هنگام استفاده از AT به عنوان مکمل برای افراد دارای ناتوانی در خواندن و نوشتن تقویت شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر معلمان مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می باشد که تعداد آنها ۲۰۰ نفر که به دلیل کم بودن تعداد آنها همه ی آنها بعنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه تحقیق متشکل از دو دسته سؤال است. دسته اول که با حروف الفبا کد گذاری شده است به منظور تعیین و مشخص شدن مشخصات نمونه آماری از لحاظ جنسیت، تاهل، سن، سطح تحصیلات، سابقه خدمت و دسته دوم به منظور آزمون فرضیه های تحقیق حاضر تنظیم گردید. بخش اول شامل سؤالات روش تدریس معلمان بر اساس نظری (Hiberman & Bowmhan, 2005) و (Wilkas & Verimers, 2007) در نظر گرفته شده است که در قالب مقیاس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم گردیده است که دارای ۲۹ سؤال می باشد. بخش دوم، سؤالات اختلال در یادگیری در دانش آموزان بر اساس شاخص های نظریه مانیس و همکاران است که شامل ۱۴ شاخص است و در قالب مقیاس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم گردیده است. برای تعیین روایی ابزار جمع آوری اطلاعات از روایی نمادی یا صوری استفاده گردید. برای آزمون پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار این آماره ها برای سؤالات روش تدریس معلمان و شناسایی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری به ترتیب ۰/۹۲۲ و ۰/۹۴۶ هست. مقدار این آماره نشان می دهد که اولاً سؤالات پرسشنامه همبستگی بالایی با یکدیگر دارند و ثانیاً پرسشنامه تحقیق از پایایی بالایی برخوردار هست.

در این تحقیق روش تدریس معلمان بر اساس مدل تکامل (Hiberman & bowmhan (2005) و (Wilkas & Verimers (2007) توسط Naderi et al (2010) در ۵ بعد ارائه گردید:

- ۱- میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس،
- ۲- میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش های نوین تدریس،
- ۳- میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی های آموزشی،
- ۴- میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی،
- ۵- میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش های ارزشیابی آموزشی (Naderi, 2010).

به منظور تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از پرسشنامه های جمع آوری شده از روش های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای توصیف پاسخ های نمونه آماری به سؤالات،

از جدول‌های توزیع فراوانی استفاده شد. در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های گلموگروف- اسمیرنف، همبستگی پیرسون و رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها

داده‌هایی که از طریق پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده بدست آمده‌اند، مطابق جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که ۸۳ نفر از پاسخگویان (۲۹/۹ درصد نمونه آماری) را مرد و ۱۱۷ نفر از پاسخگویان (۷۰/۱ درصد نمونه آماری) را زن تشکیل داده است. بر اساس جدول شماره (۱)، ۰ از پاسخگویان (۰/۰ درصد نمونه آماری) دارای تحصیلات دیپلم، ۴۹ نفر از پاسخگویان (۲۱/۹ درصد نمونه آماری) فوق دیپلم، ۱۳۰ نفر از پاسخگویان (۶۶/۵ درصد نمونه آماری) لیسانس، ۲۱ نفر از پاسخگویان (۱۱/۵ درصد نمونه آماری) فوق لیسانس و بالاتر هستند. ۹ نفر از پاسخگویان (۳/۲ درصد نمونه آماری) کمتر از ۵ سال ۳۰ نفر از پاسخگویان (۲۰/۹ درصد نمونه آماری) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۵۰ نفر از پاسخگویان (۲۵ درصد نمونه آماری)، بین ۱۱ تا ۱۵، ۴۰ نفر از پاسخگویان (۲۱/۶ درصد نمونه آماری) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۶۰ نفر از پاسخگویان (۲۲/۷ درصد نمونه آماری)، بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۵ نفر از پاسخگویان (۸/۳ درصد نمونه آماری)، بیش از ۲۵ سال تشکیل داده است.

آزمون نرمال بودن

با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنف نرمال بودن داده‌ها بررسی گردید که نتایج بدست آمده در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول شماره ۳، در هریک از متغیرها که سطح معنی داری به دست آمده بزرگتر از سطح معنی

داری ۰/۰۵ می باشد فرض نرمال بودن داده ها برای نرمال بودن پذیرفته می شود، بنابراین با توجه به این شرایط برای آزمون فرضیه ها از آزمون های پارامتریک استفاده کرد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون نرمال بودن مربوط به متغیرهای تحقیق

نتیجه	p- مقدار	آماره کلموگروف اسمیرنف	تعداد داده ها	متغیرها
نرمال	۰/۰۸۳	۱/۲۵۶	۲۰۰	روش تدریس معلمان
نرمال	۰/۰۵۷	۱/۳۶۶	۲۰۰	شناسایی دانش آموزان دارای اختلال در یادگیری
نرمال	۰/۹۶۴	۱/۲۰۸	۲۰۰	میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس
نرمال	۰/۰۸۷	۱/۲۳۰	۲۰۰	میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش های نوین تدریس
نرمال	۰/۰۶۵	۱/۲۹۴	۲۰۰	میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی های آموزشی
نرمال	۰/۰۶۰	۱/۳۴۰	۲۰۰	میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی
نرمال	۰/۰۷۱	۱/۲۷۲	۲۰۰	میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش های ارزشیابی آموزشی

جدول شماره ۴: نتایج رگرسیون چندگانه

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R ضریب همبستگی	R ² ضریب تشخیص	ΔR ضریب تعدیل شده	خطای استاندارد	F آزمون معناداری رگرسیون	β شیب خط	t محاسبه شده
روش تدریس معلمان	شناسایی و بهبود اختلال یادگیری	۰/۴۷۲	۰/۲۲۳	۰/۲۲۰	۰/۷۶۸	۷۹/۱۵۱	۰/۷۶۸	۲/۶۰۴
							۰/۷۶۳	۸/۸۹۷
میزان آگاهی معلمان از مهارت‌های حرفه‌ای تدریس	شناسایی و بهبود اختلال یادگیری	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۱۸۹	۰/۷۸۳	۶۵/۵۱۱	۱/۲۳۳	۴/۶۱۷
							۰/۶۱۳	۸/۰۹۴
میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های نوین تدریس	شناسایی و بهبود اختلال یادگیری	۰/۳۹۲	۰/۱۵۳	۰/۱۵۰	۰/۸۰۲	۴۹/۹۶۷	۱/۵۲۴	۵/۷۶۷
							۰/۵۳۴	۷/۰۶۹
میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی	شناسایی و بهبود اختلال یادگیری	۰/۲۴۲	۰/۰۹۹	۰/۰۹۵	۰/۸۴۵	۱۷/۱۸۶	۲/۵۲۵	۱۲/۱۵۰
							۰/۲۷۹	۴/۱۴۶
میزان آگاهی استفاده معلمان از طراحی آموزشی	شناسایی و بهبود اختلال یادگیری	۰/۳۵۳	۰/۱۲۵	۰/۱۲۱	۰/۸۱۵	۳۹/۲۷۳	۱/۹۱۸	۸/۱۵۱
							۰/۴۲۹	۶/۲۶۷
میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های ارزشیابی آموزشی	شناسایی و بهبود اختلال یادگیری	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶	۰/۲۰۳	۰/۷۷۶	۷۱/۶۵۰	۱/۱۲۷	۴/۲۰۹
							۰/۶۲۳	۸/۴۶۵

آزمون فرضیه ۱. روش تدریس معلمان بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد.

چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد. ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده که ۰/۴۷۲ می‌باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۷ که ۰/۱۹۶ است، بزرگتر می‌باشد، لذا رابطه معنی داری بین روش تدریس معلمان و شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه وجود دارد. با توجه به ضریب تشخیص R^۲

که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، $0/223$ می باشد می توان بیان نمود که ۲۲ درصد تغییرات شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، توسط تغییرات در دانش روش تدریس معلمان تبیین می گردد. بنابراین رابطه ریاضی تاثیر روش تدریس معلمان بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه به صورت زیر خواهد بود:

$$1X \ 763/0 + 768/0 = Y$$

پس می توان بیان نمود که یک واحد افزایش در دانش روش تدریس معلمان باعث $0/763$ واحد افزایش در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می شود. پس مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی دار می باشد.

آزمون فرضیه ۱-۱. میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد.

چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می گردد ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده که $0/438$ می باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۷ که $0/196$ است، بزرگتر می باشد، لذا رابطه معنی داری بین میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه وجود دارد. با توجه به ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، $0/192$ می باشد، می توان بیان نمود که ۱۹ درصد تغییرات شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، توسط تغییرات در میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس تبیین می گردد. بنابراین رابطه ریاضی تأثیر میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه به صورت زیر خواهد بود:

$$2 \quad X = 1/233 + 0/613 Y$$

پس می توان بیان نمود که یک واحد افزایش در میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس باعث $0/613$ واحد افزایش در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می شود. پس می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی دار می باشد.

آزمون فرضیه ۱-۲. میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای نوین تدریس بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد. چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد با توجه به ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده که ۰/۳۹۲ می‌باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۷ که ۰/۱۹۶ است، بزرگتر می‌باشد، لذا رابطه معنی‌داری بین میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای نوین تدریس با شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه وجود دارد. با توجه به ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، ۰/۱۵۳ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که ۱۵ درصد تغییرات شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، توسط تغییرات در میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای نوین تدریس تبیین می‌گردد.

بنابراین رابطه ریاضی تأثیر میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای نوین تدریس بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه به صورت زیر خواهد بود:

$$rX = 1/024 + 0/034 Y$$

پس می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای نوین تدریس باعث ۰/۵۳۴ واحد افزایش در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری می‌شود. پس مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

آزمون فرضیه ۱-۳. میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد. چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده که ۰/۲۴۲ می‌باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۷ که ۰/۱۹۶ است، بزرگتر می‌باشد، لذا رابطه معنی‌داری بین میزان آگاهی و استفاده معلمان در استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی با شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه وجود دارد. چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد. ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، ۰/۰۹۹ می‌باشد. پس می‌توان بیان نمود که ۹ درصد تغییرات شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، توسط تغییرات در میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی تبیین می‌گردد. بنابراین رابطه ریاضی تأثیر میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی بر شناسایی

وبه‌بود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = 2/525 + 0/279 X$$

پس می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی باعث ۰/۲۷۹ واحد افزایش در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

آزمون فرضیه ۱-۴. میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد.

چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده که ۰/۳۵۳ می‌باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۷ که ۰/۱۹۶ است، بزرگتر می‌باشد، لذا رابطه معنی‌داری بین میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی با شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه وجود دارد. چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد و با توجه به ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، ۰/۱۲۵ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که ۱۲ درصد تغییرات شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، توسط تغییرات در میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی تبیین می‌گردد.

بنابراین رابطه ریاضی تأثیر میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه به صورت زیر خواهد بود:

$$X = 1/918 + 0/429 Y$$

پس می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی باعث ۰/۴۲۹ واحد افزایش در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

آزمون فرضیه ۱-۵. میزان آگاهی و استفاده معلمان از شیوه‌های ارزشیابی آموزشی بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد.

چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد و نیز با توجه به ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده که ۰/۴۵۴ می‌باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۷ که ۰/۱۹۶

است، بزرگتر می‌باشد، لذا رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، $0/۲۰۶$ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که ۲۰ درصد تغییرات شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، توسط تغییرات در میزان آگاهی معلمان و استفاده از روشهای ارزشیابی آموزشی تبیین می‌گردد. بنابراین رابطه ریاضی تأثیر میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای ارزشیابی آموزشی بر شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = ۰/۲۲۳ X + ۱/۱۲۷$$

پس می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در میزان آگاهی و استفاده معلمان از روشهای ارزشیابی آموزشی باعث $۰/۲۲۳$ واحد افزایش در شناسایی و بهبود دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد (Mohammadi, 2020).

نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق بوتلر با عنوان تاثیر بکارگیری راهبردهای یادگیری در بهبود اختلال در یادگیری دانش آموزان که نشان دادند که به کارگیری راهبردهای یادگیری محتوا در بهبود کیفیت (نوشتار، دانش فراشناختی و استفاده از راهبردهای نوشتاری کودکان دارای اختلالات یادگیری موثر بوده است با نتایج تحقیق حاضر هم خوانی دارد. (Butler, 2012) در تحقیقی (Mccurdy et al (2008 با عنوان بررسی تأثیر بکارگیری برنامه‌ی نوشتاری جامع از سوی معلمان بر عملکرد نوشتاری دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری نشان دادند که دانش معلمان در اجرای این برنامه موجب افزایش عملکرد نوشتاری آنان شده است که با نتایج تحقیق حاضر هم خوانی دارد. نتایج تحقیق (FathAlipour (2013 با عنوان "بررسی تاثیر دانش و مهارتهای حرفه‌ای معلمان بر تقویت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان شهر بابل" نشان داد که «طراحی و اجرای طرح درس روزانه، به کارگیری روشهای تدریس فعال، استفاده از ابزار و وسایل دیداری و شنیداری، اجرای ارزشیابی توصیفی و برقراری ارتباط موثر معلم با فراگیران در فرآیند یاددهی یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی در حد خیلی زیاد موثر است با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد».

نتایج تحقیق (Samadi (2014 با عنوان "بررسی تاثیر دانش حرفه‌ای و خودکارآمدی معلمان زن پایه سوم راهنمایی شهر تهران بر شیوه‌های ارتباطی مثبت و منفی آنان با دانش آموزان" نشان داد که «در سبک ارتباطی مثبت هر دو عامل «دانش روش تدریس» و «خودکارآمدی» از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی برخوردارند و در سبک ارتباطی منفی تنها «دانش روش تدریس» قدرت

پیش‌بینی‌کنندگی دارد. نتیجه این که روش تدریس معلم از جمله متغیرهایی است که تأثیر مهمی در فرایند آموزشی دارد با نتایج تحقیق حاضر هم خوانی دارد. مهاجری و همکاران در تحقیقی تحت عنوان "رابطه بین قابلیت‌های روش تدریس معلمان دوره ابتدایی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان در شهر اصفهان" به این نتیجه رسیدند که «رابطه معناداری بین قابلیت‌های روش تدریس معلمان با عملکرد تحصیلی دانش آموزان وجود دارد آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که دانش آموزان معلمان فوق لیسانس از عملکرد تحصیلی بیشتری برخوردارند (Mohajeri, 2011).

بحث و نتیجه گیری

آرزوی دیرینه هر جامعه‌ای پیشرفت و تعالی افراد آن جامعه و داشتن شهروندانی فرهیخته و اندیشمند است و بدیهی است که هر پیشرفتی در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مستلزم داشتن افرادی متفکر، خلاق و منتقد است که بتواند تصمیمات درست را اتخاذ نماید و برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشد که این منوط به وجود نظام‌های آموزش و پرورش فعال و پویاست. پس به جرات می‌توان گفت که هر پیشرفتی از نظام کارآمد و صحیح آموزش و پرورش جوامع نشأت می‌گیرد و این مهم به عوامل متعددی از جمله تغییر شیوه‌ها و الگوهای تدریس در جهت استفاده از روش‌های نوین تدریس بستگی دارد. در این راستا، روش تدریس یکی از مهم‌ترین عناصری است که در تحقق هدف‌های آموزشی نقش مؤثری دارد. به نظر می‌رسد که در آموزش سنتی به یادگیری عمیق و معناداری که بتواند منجر به رشد شخصیت دانش‌آموز شود و او را در حل مشکل یاری دهد کمتر توجه می‌شد و با آموزش سطحی هدف اصلی آموزش و پرورش که همان یادگیری عمیق و اثربخش است، تحقق نمی‌یافت امروزه شیوه‌های جدید و فعال در یادگیری نقش اساسی را بر عهده‌دارند، اما این شیوه‌ها باید به گونه‌ای به کار گرفته شوند که دانش آموزان به جای ذخیره‌سازی اصول و مطالب علمی، درگیر مسائل اصلی زندگی شوند و مشکلاتی را که با زندگی واقعی آنان مرتبط است یاد بگیرند. زیرا روش‌های ابتکاری و منطبق با زندگی، موقعیت آموزشی را جذاب‌تر و رغبت و تلاش فراگیران را در یادگیری افزون‌تر می‌کند (Yazdianpour, Yousefi, Haqqani, 2009). به‌طور کلی می‌توان گفت، که تدریس یک فعالیت است، اما نه هر نوع فعالیتی، بلکه فعالیتی که آگاهانه و بر اساس هدف خاصی انجام گیرد؛ فعالیتی که بر پایه وضع شناختی شاگردان انجام پذیرد و موجب تغییر آنان شود، اگرچه هنوز

هستند کسانی که بر اساس الگوها و روش‌های سنتی، تدریس را تنها به تلاش و فعالیت معلم در کلاس درس اطلاق می‌کنند. در هر صورت اگر یادگیری را «تغییر در رفتار ارگانیسم بر اثر تجربه» بدانیم، بدون شک فعالیتی که موقعیت را برای تغییر فراهم کند، و یا موقعیتی را ایجاد کند که تجربه را آسان کند و تغییر لازم را در شاگرد سبب شود، تدریس نام دارد.

معلم یکی از اجزای مهم سیستم آموزشی محسوب می‌شود که همراهی و تعامل او با سایر عوامل از جمله ویژگی‌های دانش‌آموزان، شرایط مدرسه و کلاس، دروس مختلف منجر به تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در دانش‌آموزان می‌شود. معلمین دامنه وسیعی از مهارت‌های تدریس را مورداستفاده قرار می‌دهند تا مطمئن شوند یادگیری اتفاق می‌افتد. پژوهش درباره تدریس، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که از یک سو بازخورد مناسب برای تجزیه و تحلیل مسائل آموزشی، تصمیم‌گیری‌های اساسی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در اختیار مسئولان و دست‌اندرکاران آموزشی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، آگاهی از کیفیت عملکرد خود در جریان تدریس به اصلاح شیوه‌ها و روش‌های آموزشی و در نتیجه افزایش کیفیت تدریس می‌پردازد. در واقع معلمی که به دنبال تعالی و سرآمدی و تدریس باکیفیت است قطعاً تدریسی موفق خواهد داشت اما معلمی که می‌خواهد صرفاً وقت آموزشی و ساعت کلاسی بگذرد و به دنبال حرفه‌ای بودن در شغل خود نیست، مشغول انجام فعالیت‌های عادی و تکراری و بدون ثمر خواهد بود. چنین معلمی نمی‌تواند با دانش‌آموزان ارتباط دوجانبه و عمیقی برقرار کند در نتیجه نمی‌تواند به موفقیت اصلی خود در جریان یادگیری برسد. بنابراین، آموزش و چگونگی ارائه آموزش در بروز ناتوانی یادگیری تأثیر می‌گذارند. نوع رابطه معلم با دانش‌آموز بر موفقیت و شکست دانش‌آموزان مؤثر است. معلم برای آموزش باید دانش خود را بشناسد، مشکلات او را درک کند و آموزش متناسب با آن ارائه دهد و عدم شناخت کافی باعث افت تحصیلی بیشتر است.

اختلالات یادگیری یکی از معضلات جدی آموزشی در عصر مدرن محسوب می‌شود که تبعات فردی و اجتماعی زیادی در پی دارد. شکست تحصیلی این گروه از دانش‌آموزان بدون شک شکست یک فرد محسوب نمی‌شود؛ بلکه تبعات سنگین آن برای جامعه تا سال‌ها باقیمانده و جبران‌ناپذیر خواهد بود. بهترین اقدام برای دانش‌آموزان با مشکلات یادگیری، شناسایی سریع آن‌ها و مداخله به هنگام اقدامات درمانی - توان‌بخشی و آموزشی برای آن‌هاست. دانش‌آموزان

با مشکلات یادگیری بزرگ‌ترین گروه دریافت‌کننده خدمات ویژه در ایران و دیگر کشورها محسوب می‌شوند؛ از این رو با توجه به فراگیر بودن مشکلات یادگیری در میان دانش‌آموزان تقریباً اکثر معلمان مدارس عادی با این نوع دانش‌آموزان و مشکلات آموزشی - تحصیلی آن‌ها از نزدیک آشنا هستند. با توجه به اهمیت و نقش انکارناپذیر آموزش در تحقق عدالت آموزشی در جامعه، یکی از گروه‌هایی که از نقش مهم و انکارناپذیری در موفقیت دانش‌آموزان با مشکلات یادگیری برخوردارند، معلمان مدارس هستند که می‌توان از آن‌ها به عنوان معماران آموزشی این دانش‌آموزان یاد کرد. در واقع از آنجاکه معلمان در مواجهه مستقیم با مسائل آموزشی و رفتاری این دانش‌آموزان قرار دارند، می‌توانند در شناسایی، ارجاع و همچنین روند درمان آنان نقش مهم و پررنگی داشته باشند. از این رو معلمان لازم است در رابطه با مشکلات تحصیلی و همچنین نیازهای این گروه از دانش‌آموزان دید درست و مبتنی بر واقعیت داشته باشند تا بتوانند عملکرد مناسبی در رابطه با آن‌ها بروز دهند. در واقع شناسایی به‌موقع، درمان و آموزش درست این دانش‌آموزان حاصل تعامل بین خانواده، معلم و درمانگران آنان خواهد بود. از این رو عدم آگاهی معلمان در خصوص مسائل آموزشی این دانش‌آموزان می‌تواند تأثیر غیرقابل‌جبران در آینده و روند آموزش این دانش‌آموزان داشته باشد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها بوسیله آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون مشخص گردید که روش تدریس معلمان (میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت‌های حرفه‌ای تدریس، میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های نوین تدریس، میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی‌های آموزشی، میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی، میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های ارزشیابی آموزشی) بر شناسایی و بهبود دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تأثیر دارد. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که شدت تأثیر بعد میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش‌های ارزشیابی آموزشی نسبت به سایر ابعاد روش تدریس معلمان بر شناسایی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه بیشتر است. ادبیات تحقیق نیز بیانگر تأثیر روش تدریس معلمان و ابعاد آن بر شناسایی و بهبود دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری می‌باشد. تشخیص و شناسایی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری بعنوان گروهی از کودکانی که نیازمند آموزش و پرورش ویژه‌ای هستند، امری بسیار مهم و در عین حال فوق‌العاده حساس است.

پیشنهادها

مهارت در تدریس و دانش و تخصص معلمان در بهره گیری مناسب از آنها در کیفیت یادگیری دانش آموزان بویژه در خصوص دانش آموزان دارای اختلالات اهمیت زیادی دارد و یافته این تحقیق وسوابق مرتبط هم موید این مطلب می باشد روشهای تدریس این دانش آموزان را قادر می سازد تا "بیشترین یادگیری را در کمترین زمان ممکن" داشته باشند. همچنین معلمان در روشهای تدریس از راهبردهای یادگیری مختلفی استفاده می کند تا دانش آموزان از طریق مثال ها و موقعیت های گوناگون بتوانند یاد بگیرند. به خصوص اگر معلمان نسبت به نیازهای دانش آموزان ناتوان حساس باشند و آموزش خود را با توجه به ویژگی های آنان انعطاف بخشند، موفقیت شان حتمی است. در اشاره به نتایج پژوهش های مربوط به روشهای تدریس، فتسکو و مک کلور گفته اند روش های روشهای تدریس وابسته به روانشناسی رفتاری عموماً در افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در زمینه های ریاضیات پایه و مهارت های خواندن موفقیت آمیز بوده اند. همچنین آن دسته از روش های روشهای تدریس که بر راهبردهای شناختی تاکید دارند در بهبود خواندن و درک و فهم دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری مفید هستند. به طور کلی، روشهای تدریس می تواند برای تدریس اطلاعات و مهارت های اساسی دقیقاً تعریف شده، به ویژه به دانش آموزانی که اطلاعات زمینه ای محدودی دارند، اثربخش باشد.

توجه به اصول روشهای تدریس در حوزه ناتوانی های یادگیری از قبیل داشتن اهداف مشخص و دقیق، ارائه پیش سازمان دهنده، فعال بودن معلم حین تدریس، تنظیم درس در گام های کوچک، ارائه محتوا از ساده به دشوار، سازماندهی دقیق محتوا، ارزیابی مداوم عملکرد یادگیرنده، تعامل شفاف بین معلم و دانش آموز، تقویت پاسخ های صحیح و اصلاح پاسخ های نادرست به بهبود یادگیری دانش آموزان دارای اختلال کمک خواهد کرد. با توجه به نتایج تحقیق که نشان داد روش تدریس معلمان و ابعاد آن (میزان آگاهی و استفاده معلمان از مهارت های حرفه ای تدریس، میزان آگاهی و استفاده معلمان از روش های نوین تدریس، میزان آگاهی و استفاده معلمان از تکنولوژی های آموزشی، میزان آگاهی و استفاده معلمان از طراحی آموزشی و استفاده معلمان از روش های ارزشیابی آموزشی) بر شناسایی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه تاثیر دارد و جهت شناسایی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری باید به روش تدریس معلمان آنان توجه نمایند بطوریکه نتایج نشان داد هر چه روش تدریس معلمان و ابعاد آن در سطح معلمان در مراکز ناتوانی یادگیری شهر ارومیه افزایش یابد دانش آموزان دارای اختلال یادگیری از سوی معلمان بهتر شناسایی خواهد شد و به بهبودی آنها کمک می کند.

منابع

- Amirpour, A., and Musopoor, S. (2013). The production of cognitive educational multimedia and its effectiveness on the academic achievement of the subtraction and division of female students with the disability of math learning. *Journal of Learning Disability*.
- Butler, D. L., Elashuk, C. L., & Poole, S. (2012). Promoting strategic writing by postsecondary students with learning disabilities: A report of three case studies. *Learning Disability Quarterly*, 23, 196-213.
- Fath Aliopour Ahangar, A. (2013). The Effect of Teachers' Knowledge and Skills on the Academic Achievement of Elementary Students from the Viewpoints of Teachers in Babylon The First National
- Fazeli, N., Rezaei Tavirani, F., and Mozaffari, M. (2012). Creating and validating professional staff ethics questionnaire *Quarterly Journal of Educational Research*.
- Figueroa, R. A. (2006). The diagnosis of LD in English Learner. *Journal of Learning Disabilities*, 29(3), 206-209.
- Ghobari Bonab, B., Parand, A., Khanzadeh, H., and Nemati, Sh. (2009). The Prevalence of Behavioral Problems among Primary School Students in Ardabil *Research in the Field of Exceptional Children*, 9(3), 223-238.
- hasani, Sh., Hoseinikhah, A., Gramipour, M., and Haji hossein nejad, Gh. (2020). A Phenomenographic Reflection on the Components of Curriculum Implementation in Elementary Schools from viewpoint of School Principals *Journal of School Administration*, 8(3), 308-330.
- Hullahan, P., & Cuffman, M. (2008). Exceptional Children Introduction to Special Education. . *Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing*.
- Khudami, N., Abedi, A., and Mokpour, A. (2010). The Effect of Active Memory and Metacognition on the Academic Achievement of Disabled Girl Students in Mathematical Learning. *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*, 2(1).
- Manis, F.R., Doi, L.M., & Bhadha, B. (2000). Naming speed, phonological awareness, and orthographic knowledge in second graders. *Journal of learning disabilities*, 33(4), 325-333.
- McCurdy, M., Skinner, Ch., Watson, S., & Shriver, M. (2008). Examining the effects of a comprehensive writing program on the writing performance of middle school students with learning disabilities in written expression. *School Psychology Quarterly*, 23(4), 571.
- Mohajeri, M., Sharifi, M., and Mohajeri A. (2011). The Relationship Between Professional Capabilities of Primary Teachers and Students' Academic Performance in Isfahan. *Journal of Educational Approaches*, 7(1): 48-2
- Mohamadi, R., Khorsandi yamchi, A., and Inanloo, M. (2020). Evaluating the effectiveness of in-service training courses for teachers of primary school Based on the Kirkpatrick's model. *Journal of School Administration*, 8(3), 1-20.

- Naderi, E., Hajizadeh, M., Shariatmadari, A., and Saif Naraghi, M. (2010). Investigating and comparing the professional skills of teachers in basic sciences and humanities in the secondary school of Behshahr in order to provide qualitative improvement methods for these skills *Scientific-research chapter of educational management research*(2), 75-89.
- Pereon, C. (2016). *Teachers 'Role in Identifying and Reducing Students' Learning Problems: Strategies for Family Preschool and School*. Exceptional Education Seventeenth.
- Richardson, K. (2008). The standpoint collegian aground master characteristic. *The Journal of curriculum*, 26, 39-40.
- Sak, A., & Saka, A. (2009). Student teachers' views about effects of school practice on development of their professional skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 1(1), 1597-1604.
- Samadi, M. (2013). The Role of Professional Knowledge about Teacher Self-Esteem on their Positive and Negative Communication Techniques with Students. *Journal of Educational Psychology*, 10(17).
- Shah Mohammadi, N. (2013). Competencies and competencies of the present-day teacher. *The Monthly Development of Elementary Education*.
- Svensson, L ., Nordström, Th., Lindeblad, E., Gustafson, S., Björn, M., and., Nilsson, S. (2019). Effects of assistive technology for students with reading and writing disabilities. *Disability and Rehabilitation: Assistive Technology*, 1-13.